



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره ۳۱۵۷ - ۹

تاریخ ۱۴۰۴/۹/۲۱

بجانبی

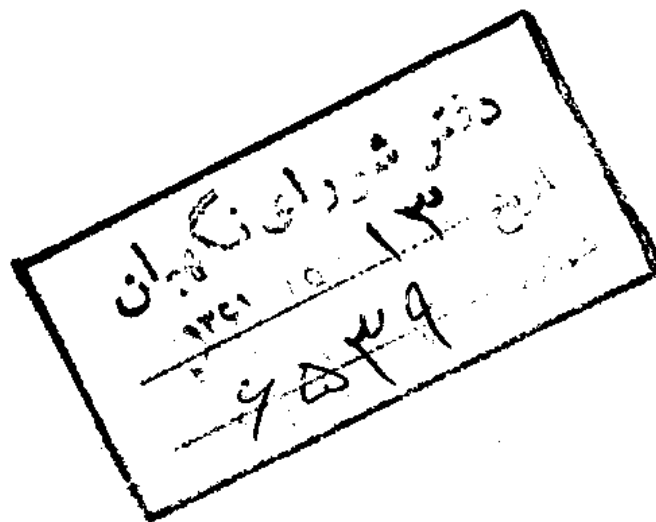
شورای محترم نگهبان

فصل سوم لایحه شماره ۱۸۰۰۸ مورخ ۱۳۶۱/۳/۱۶ دولت در خصوص مجازات اسلامی (دیات) که بنا بر تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۳۶۱/۴/۲۰ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به کمیسیون امور قضائی تفویض شده بود تا پس از تصویب برای مدت پنج سال بصورت آزمایشی به مرحله اجرا درآید، در جلسه روز چهارشنبه مورخ ۱۳۶۱/۹/۳ با اصلاحاتی بتصویب کمیسیون مذکور رسید که در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال میگردد. ع

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

اکبر هاشمی



بجسالی

بسم الله الرحمن الرحيم

مبحث سوم

دیات

تعریف

ماده ۱- دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده میشود.

موارد دیه

ماده ۲- دیه در موارد زیر ثابت میشود.

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطا محض واقع میشود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را. مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید.

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطا شبیه عمد واقع میشود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمیشود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمیشود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیبی مباشرتاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.

ج - دیه در موارد قصاص که در محل خود ذکر شده است.

تبصره ۱- جنایتهای عمدی دیوانه و نابالغ بمنزله خطا محض است.

تبصره ۲- در صورتیکه در دادگاه ثابت شود جنایتهای عمدی که به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن طرف انجام شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است بمنزله خطا شبیه عمد است.
مقدار دیه قتل نفس

ماده ۳- دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور شگانه ذیل است که جانی در انتخاب

هریک از آنها مخیر میباشد و تلفیق آنها جایز نیست.

۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۲- دو بیست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

بجسالی

بخش اول

۴- دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن .

۵- یکهزار دینار مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است .

۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره میباشد .
تبصره - پرداخت قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین کافیت و اگر تلفیق بعنوان پرداخت قیمت یکی از امور ششگانه باشد کافی است .

ماده ۴- دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن فقط در خصوص شتر لازم است که سن آنها از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد .

مهلت پرداخت دیه

ماده ۵- دیه قتل خواه عمدی خواه غیرعمدی اگر در خصوص حرم مکه معظمه یا در یکی از چهار ماه حرام (رجب - ذیقعد - ذیحجه - محرم) واقع شود یکی از شش چیز گذشته است به اضافه یک ثلث (یک سوم) هر نوعی که انتخاب کرده است و سایر امکنة و ازمنة دارای این حکم نیستند هر چند متبرک باشند .

ماده ۶- دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است .

ماده ۷- دیه زن و مرد در جراحات های یکسان است تا اینکه مقدار دیه جراحی به ثلث (یک سوم) دیه کامل برسد آنگاه دیه جراحی زن نصف دیه جراحی مرد خواهد بود .

ماده ۸- مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف بترتیب زیر است .

الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود و تاخیر از آن بدون تراضی طرفین جایز نیست .

ب - دیه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت میشود .

ج - دیه قتل خطا محض در ظرف سه سال پرداخت میشود .

تبصره - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت

میشود .

مسئول پرداخت دیه

ماده ۹- مسئول پرداخت دیه در قتل عمد و شبیه عمد خود قاتل است و مسئول پرداخت

بخش اول

آن در قتل خطا محض عاقله قاتل است که باید راسا بپردازد و حق مراجعه به قاتل را ندارد .

ماده ۱- اگر قاتل در شبیه عمد حتی با مهلت طولانی قادر به پرداخت دیه نباشد کسان او به ترتیب الاقرب و فالاقرب باید بپردازند و اگر آنها نباشند یا نداشته باشند از بیت المال داده میشود .

(عاقله) مسوول پرداخت دیه جنایتهای خطائی

ماده ۱۱- دیه قتل خطا محض و همچنین دیه جراحت (موضعه) و دیه جراحت های عمیق تر از آن بعهدده عاقله می باشد و دیه جراحت های کمتر از آن بعهدده خودجانی است . تبصره - جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه بمنزله خطا محض و برعهده عاقله میباشد .

ماده ۱۲- عاقله عبارتست از بستگان نزدیک ابوینی یا ابی مانند پدر و جد پدری و برادر و پسر و عمو و پسران عمو .

ماده ۱۳- زن جزء عاقله محسوب نمیشود و عهده دار دیه خطائی نخواهد بسود و همچنین نابالغ و دیوانه .

ماده ۱۴- عاقله اگر فقیر باشد عهده دار دیه نمی باشند .

ماده ۱۵- هرگاه قتل خطائی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقرار جانی ثابت شود خودجانی ضامن است .

ماده ۱۶- هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطا انجام شده و عاقله منکر خطائی بودن آن باشد در صورتیکه عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی میباشد .

ماده ۱۷- جنایتهای خطائی که شخص بر خودش وارد آورد بعهدده خود اوست و همچنین اتلاف های مالی که بطور خطا محض انجام شود بعهدده شخص تلف کننده است و عاقله عهده دار هیچگونه خسارتهای مالی در مورد اتلاف خطائی و مانند آن نیست و فقط در خصوص قتل و جرح خطائی محض عهده دار میباشد .

ماده ۱۸- دیه خطا محض بر عاقله به ترتیب طبقات ارث توزیع میشود .

ماده ۱۹- هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت میشود .

ماده ۲۰- دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته

بجایی

میشود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته میشود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده میشود.

موجبات ضمان

ماده ۲۱- جنایت اعم از آنکه بمباشرت انجام شود یا بهتسبیب یا بهاجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود.

ماده ۲۲- مباشرت آنست که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد.

ماده ۲۳- تسبیب درجنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

ماده ۲۴- اجتماع مباشر و سبب جنایت آنست که کسی سبب وقوع جنایت را فراهم کند و دیگری مرتکب آن شود مانند آنکه کسی چاهی بکند و دیگری شخص سومی را طوری پرت کند که او قهراً به چاه می افتد و آسیب می بیند (= مباشرت درجنایت).

ماده ۲۵- هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه هائی که شخصاً انجام میدهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقض عضو یا خسارت مالی شود ضامن است مگر اینکه قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او برائت حاصل نماید.

ماده ۲۶- هرگاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد.

ماده ۲۷- هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است مگر اینکه قبل از درمان از صاحب حیوان برائت حاصل نماید.

ماده ۲۸- هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود.

ماده ۲۹- هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقض عضو دیگری شود جنایت او بمنزله خطا محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود.

ماده ۳۰- هرگاه کسی چیزی را به همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و بشخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می باشد و در صورت خطا محض، عاقله او عهده دار میباشد.



مجلسی

ماده ۳۱- هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هرکار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً کشنده نباشد ، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نوعاً کشنده و نه با قصد قتل انجام گرفت قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن برعهده قاتل است .

ماده ۳۲- هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتیکه آن ترسانندن موجب زوال اراده و اختیار او گردد ترساننده ضامن است و اگر با حفظ اراده و اختیار این کارها را کرد ترساننده ضامن نیست و همچنین اگر در حال فرار به درنده یا گزندهای برخورد کرد و تلف شد یا آسیب دید ترساننده عهده دار نخواهد بود .

ماده ۳۳- هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را نداشته باشد و کاری را که با قصد انجام داده نوعاً سبب جنایت نباشد عهده دار دیه خواهد بود و اگر خواست به جایی که کسی در آنجا نبود پرت شود و اتفاقاً به جایی افتاد که شخصی در آنجا بود عاقله او عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر وی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد نه خودش ضامن است نه عاقله اش .

ماده ۳۴- هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتیکه نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت باشد عهده دار دیه آن خواهد بود .

ماده ۳۵- هرگاه کسی دیگری را بروی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت باشد ضامن دیه می باشد .

ماده ۳۶- هرگاه کسی در ملک خود یا مکان مباح دیگری راه وسیع عمومی توقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هیچگونه خسارت نخواهد بود .

ماده ۳۷- هرگاه کسی در جایی متوقف باشد که توقف در آنجا جایز نیست مانند راه تنگ و دیگری اشتباهاً و بدون قصد به او برخورد کند و بمیرد شخص متوقف ضامن دیه خواهد بود . همچنین اگر موجب لغزش رهگذر و آسیب آنها شود ضامن خسارت میباشد مگر آنکه عابر با وسعت راه عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه تنها خسارت او هدر است

۱۰۰



بجایی

بلکه عهده‌دار خسارت شخص متوقف نیز خواهد بود .

اشتراک در جنایت

ماده ۳۸- هرگاه دونفر بایکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبه عمد نصف دیه هرکدام از مال دیگری پرداخت میشود و در صورت خطأ محض نصف دیه هرکدام بر عاقله دیگری است .

ماده ۳۹- هرگاه دونفر بایکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه‌عمد نصف دیه مقتول برد دیگری است و در صورت خطأ محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است .

تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً وبدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطأ محض بوده و عاقله او عهده‌دار خسارت مصدوم میباشد .

ماده ۴۰- هرگاه در اثر برخورد دوسوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببینند در صورتی که تصادم و برخورد بهر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچکدام مقصر نباشند هرکدام نصف خسارت و وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است .

تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی ، بی‌مبالاتی ، عدم مهارت ، عدم رعایت نظامات دولتی .

ماده ۴۱- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد باهم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه‌عمد راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطأ محض عاقله هرکدام عهده‌دار نصف دیه تمام سرنشینان میباشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه‌عمد و دیگری خطأ محض باشد ضامن بر حسب مورد پرداخت خواهد شد .

تبصره - در صورتیکه برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانتی در بین نیست .

ماده ۴۲- هرگاه شخصی که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده‌اند مفقود شود دعوت کنندگان ضامن دیه او است و اگر کشته یافت شود در صورتیکه ادعا و اقامه بینه‌کننده دیگری او را کشته تبرئه می‌گردد و اگر چنین ادعائی نکند و یا بینه اقامه ننماید فقط

بخش اول

ضامن دیه خواهد بود و اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست .

ماده ۴۳- هرگاه در معبر عام یا هر جائیکه تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزنده‌ای بر سر راه او قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت رهگذر و مانند آن گردد عهده‌دار دیه یا خسارت خواهد بود ولی اگر در ملک خود او یا در جائی که تصرف او در آن مجاز است واقع شود عهده‌دار دیه یا خسارت نخواهد بود .

تسبیب در جنایت

ماده ۴۴- هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای فوق را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده‌دار دیه یا خسارت نمی باشد .

ماده ۴۵- هرگاه در معبر عام کاری برای مصلحت عابران انجام شود و آن کار موجب جنایت یا خسارتی شود کسی عهده‌دار دیه و خسارت نخواهد بود .

ماده ۴۶- هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۴۳ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر نابینائی یا تاریکی آگاه به آن نیست بمنزل خود بخواند عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده‌دار هیچگونه دیه یا خسارت نمی باشد .

ماده ۴۷- هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن بر طرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سنگی سیل یا مانند آن چیزی را بهمراه آورد و کسی آن را بجائی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده‌دار دیه و خسارت‌های وارد خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه‌ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده‌دار چیزی نمیباشد .

ماده ۴۸- هرگاه کسی در ملک دیگری عدوانا یکی از کارهای مذکور در ماده ۴۳ را انجام دهد و شخص ثالثی که عدوانا وارد آن ملک شده و آسیب ببیند عامل عدوانی عهده‌دار دیه و خسارت میباشد .

ماده ۴۹- هرگاه کسی کالائی را که به منظور خرید و فروش عرضه می شود یا وسیله نقلیه‌ای را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده‌دار آن خواهد بود مگر آنکه



بجسالی

- مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتا در معبر قرار دهد .
- ماده ۵۰- هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل عمدا به روی آنها پابگذارد .
- ماده ۵۱- هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود .
- ماده ۵۲- هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آن که موجب زیان به معبر ورهگذر باشد در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب و قراردادن آن جایز بوده و موجب ضرری نباشد لکن اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده‌دار آن نخواهد بود .
- ماده ۵۳- هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش‌بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده‌دار خسارت نمی‌باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده‌دار چیزی نخواهد بود .
- ماده ۵۴- هرگاه دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مائل به سقوط به سمت ملک دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل‌انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می‌باشد .
- ماده ۵۵- هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مائل بسقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده‌دار خسارت خواهد بود .
- ماده ۵۶- هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بدانکه به جایی سرایت نمی‌کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود .
- ماده ۵۷- هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می‌نماید یا بدانند که بجای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد .
- ماده ۵۸- هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش بجایی سرایت نماید و سرایت با و استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارد می‌باشد گرچه به مقدار نیاز

بخش اول

خود روشن کرده باشد .

ماده ۵۹- هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتش را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد .

تبصره - در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص می باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد وگرنه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود .

ماده ۶۰- هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش ضامن نیست .

ماده ۶۱- صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آنرا میدانند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر افعال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار می باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانائی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده دار خسارتش نیست .

ماده ۶۲- هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم باز دارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود . تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می باشد .

ماده ۶۳- هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمی باشد .

ماده ۶۴- هرگاه کسی با اذن وارد خانه ای بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند .

ماده ۶۵- کسی که سوار بر حیوانی است یا از جلو زمام آن را می کشد عهده دار خسارتی است که آن حیوان با سر و گردن یا دست های خود وارد کند نه آنچه را که با پاهایش وارد میکند مگر آنکه حیوان اختیار از راکب یا زمام دار خود بگیرد و او هم آگاه نباشد و آن حیوان نیز سرکش نباشد و کسی که حیوان را از پشت سرمی راند ضامن تمام خسارتهائی است که آن



بخش اول

حیوان وارد می کند .

ماده ۶۶- هرگاه کسی حیوانی را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارت هائی است که آن حیوان وارد می کند خواه با سر و دست و خواه با پا .
ماده ۶۷- هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده دار خسارتهای وارد خواهد بود .

ماده ۶۸- هرگاه کسی سوار بر حیوانی باشد و دیگری از جلو زمام آن را بکشد یا از پشت سر آن را براند و آن حیوان با سر یا دست یا پای خود خسارتی وارد کند خسارتهائی که با جلوی بدن حیوان وارد شود را کب و زمام دار یا راکب و سائق مشترکا ضامن میباشند و خسارتی که با پای او وارد شد فقط سائق (یعنی کسی که او را از پشت سر می راند) ضامن است .

اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۶۹- هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی بنحو سبب و دیگری بنحو مباشر دخالت داشته باشد در صورتیکه تاثیر هر دو برابر هم باشد یا تاثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است .

ماده ۷۰- هرگاه در صورت دخالت سبب و مباشر در ارتکاب جنایت تاثیر سبب بیشتر از تاثیر مباشر باشد فقط سبب وقوع جنایت ضامن خواهد بود .

ماده ۷۱- هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی بنحو سبب دخالت داشته باشند نه مباشرت کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی بکند و دیگری سنگ لغزنده را در کنار او قرار دهد که عابر بسبب برخورد با سنگ به چاه می افتد که در این موارد فقط کسی که سنگ لغزنده را گذاشت ضامن است و چیزی بر عهده کسی که چاه را کنده نیست .

تبصره ۱- در مورد فوق هر کدام که متجاوز باشد ضامن خواهد بود .

تبصره ۲- در کلیه موارد فوق که به سبب یا مباشرت موجب ضمان نیست چنانچه جرمی واقع شده باشد مرتکب بموجب مبحث چهارم (تعزیرات) تعزیر خواهد شد .

ماده ۷۲- هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود .

ماده ۷۳- هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و بعلت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود .

ماده ۷۴- هرگاه کسی مال و متاع خودش را برای رفع خطر و ضرر احتمالی و بگفته

بخش اول

دیگری اتلاف نماید کسی عهده دار آن نمی باشد مگر آنکه دیگری عهده دار خسارت او شده باشد.

دیه اعضا

ماده ۷۵- هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعا مقدار خاصی بعنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ازش بپردازد.

ماده ۷۶- هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده دار خواهد بود.

ماده ۷۷- هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دوباره بروید عهده دار مهر المثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست.

تبصره - اگر مهر المثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت میشود.
ماده ۷۸- هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره بروید و مقدار دیگر نروید نسبت مقداری که نمی روید با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد.
ماده ۷۹- تشخیص روئیدن مجدد مو و نروئیدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شد و بعد از آن دوباره روئید باید مقدار زائد بر ارش به جانی مسترد شود.

ماده ۸۰- دیه موهای مجموع دوا برو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دو بیست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو بهمان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روئیده شود درهمه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره روئیده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجددا روئیده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که روئیده نمیشود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین میشود.

ماده ۸۱- از بین بردن مژه و موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن.

ماده ۸۲- از بین بردن سائر موهای بدن غیر از آنچه بیان شد فقط موجب ارش است نه دیه.

ماده ۸۳- از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا ارش می شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا





بجسلی

* مانند آن پرداخت میگردد .

دیه^۶ چشم

- ماده ۸۴- از بین بردن دو چشم سالم موجب دیه^۶ کامل است و دیه^۶ هر کدام از آنها نصف دیه^۶ کامل خواهد بود .
- تبصره - تمام چشم هائیکه بینائی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شبکوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند .
- ماده ۸۵- چشمی که در سیاهی آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد دیه^۶ آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد بطوریکه تشخیص ممکن باشد بهمان نسبت از دیه^۶ کاهش می یابد و اگر بطور کلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه دیه^۶ .
- ماده ۸۶- دیه^۶ چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادر زاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنائی از دست رفته باشد دیه^۶ کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد دیه^۶ آن نصف دیه^۶ است .
- ماده ۸۷- کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است دیه^۶ چشم نابینای او ثلث دیه^۶ کامل است خواه چشم او خلقتا نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده باشد .
- ماده ۸۸- دیه^۶ مجموع چهار پلک دو چشم دیه^۶ کامل خواهد بود و دیه^۶ پلکهای بسالا ثلث دیه^۶ کامل و دیه^۶ پلکهای پائین نصف دیه^۶ کامل است .

دیه^۶ بینی

- ماده ۸۹- از بین بردن تمام بینی دفعتا یا نرمه^۶ آن که پائین قصب و استخوان بینی است موجب دیه^۶ کامل است و از بین بردن مقداری از نرمه^۶ بینی موجب همان نسبت از دیه^۶ می باشد .
- ماده ۹۰- از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرمه^۶ آن موجب دیه^۶ کامل و ارش می باشد .
- ماده ۹۱- فاسد نمودن و شکستن و سوزاندن بینی در صورتیکه اصلاح نشود موجب دیه^۶ کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکصد دینار می باشد .
- ماده ۹۲- فلج کردن بینی موجب دو ثلث دیه^۶ کامل است و از بین بردن بینی فلج

۱۰

بجسائی

موجب ثلث دیه کامل میباشد .

ماده ۹۳- از بین بردن هریک از سوراخهای بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی بطوریکه هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتیکه باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می باشد .

دیه گوش

ماده ۹۴- از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف دیه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود .

ماده ۹۵- از بین بردن نرمه گوش ثلث دیه آن گوش را دارد و از بین بردن قسمتی از آن موجب دیه به همان نسبت خواهد بود .

ماده ۹۶- پاره کردن گوش ثلث دیه دارد .

ماده ۹۷- فلج کردن گوش دوثلث دیه و بریدن گوش فلج ثلث دیه را دارد .

تبصره ۱- گوش سالم و شنوا و گوش کر در حکم فوق یکسانند .

تبصره ۲- هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوائی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شد برای هر کدام دیه جداگانه ای خواهد بود .

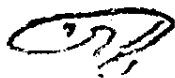
دیه لب

ماده ۹۸- از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود .

ماده ۹۹- جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را نپوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می نماید .

ماده ۱۰۰- جنایتی که موجب سست شدن لبها بشود بطوری که با چننده و مانند آن از دندانها کنار نرود موجب دوثلث دیه کامل می باشد .

ماده ۱۰۱- از بین بردن لبهای فلج و بی حس ثلث دیه دارد .



بجانبی

ماده ۱۰۲- شکافتن هر دو لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل و شکافتن یک لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه لب و در صورت خوب شدن خمس دیه لب خواهد بود.

دیه زبان

ماده ۱۰۳- از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم با ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود.

ماده ۱۰۴- از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولی دیه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود.

ماده ۱۰۵- تعیین مقدار دیه جنایتی که بر زبان وارد شده و موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین حاکم خواهد بود.

ماده ۱۰۶- هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف می باشد.

ماده ۱۰۷- بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است.

ماده ۱۰۸- بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی گوید ثلث دیه دارد و اگر بعدا معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته میشود.

ماده ۱۰۹- هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد.

دیه دندان

ماده ۱۱۰- از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع میشود.

۱- هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیشین و چهارتائی و نیش و از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می روید و جمعا دوازده تا خواهد بود - پنجاه دینار و دیه مجموع آنها شصت دینار میشود.



بخش بی

۲- هریک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعا شانزده تا خواهد بود - بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار میشود.

ماده ۱۱۱- دندانهای اضافی به هرنام که باشد و بهر طرز که روئیده شود دیه ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود مقدار جریمه آن با تعیین حاکم معلوم میشود و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود جریمه مالی نخواهد داشت ولی در صورت تعدی بعنوان تعزیر بنظر حاکم به ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود.

ماده ۱۱۲- هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهش می یابد خواه خلقتا کمتر باشد یا در اثر عارضه ای کم شده باشد.

ماده ۱۱۳- فرقی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می باشند نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیافتد دیه آن دوثلث دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلا سیاه شده ثلث همان دندان سالم است.

ماده ۱۱۴- شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد با تعیین حاکم جریمه مالی او معلوم میشود.

ماده ۱۱۵- شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود خواه کسی که بقیه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری.

ماده ۱۱۶- کندن دندان شیری کودک که دیگر بجای آن دندان نروید دیه کامل آن را دارد و اگر بجای آن دندان بروید دیه بر دندان شیری که کنده شد یک شتر می باشد.

ماده ۱۱۷- دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در مجلس قرار دهند و دوباره مانند سابق شود.

ماده ۱۱۸- هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد.

دیه گردن

ماده ۱۱۹- شکستن گردن به طوری که گردن کج شود دیه کامل دارد.

ماده ۱۲۰- جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود.



مجلسی

ماده ۱۲۱- هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فروبردن غذا شده اثر آن زائل گردد دیه ندارد فقط باید ارزش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد.

دیه فک

ماده ۱۲۲- از بین بردن مجموع دو فک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار میباشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود.

ماده ۱۲۳- دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک با دندان از بین برود دیه هر یک جداگانه محسوب میگردد.

ماده ۱۲۴- جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد جریمه آن بانظر حاکم تعیین میشود.

دیه دست

ماده ۱۲۵- از بین بردن مجموع دو دست تامفصل و مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دستها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای یک دست باشد و دست دیگری خلقا یا در اثر سانحه ای فاقد باشد خواه دارای دو دست بوده باشد.

ماده ۱۲۶- دیه قطع انگشتان هر دست تنها پانصد دینار است.

ماده ۱۲۷- جریمه بریدن کف دست که خلقا بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه ای بدون انگشت شده است بانظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۲۸- دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد.

ماده ۱۲۹- دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل و مچ قطع شود یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است با اضافه آنچه که حاکم با در نظر گرفتن مساحت زائد تعیین میکند.

ماده ۱۳۰- کسیکه از مچ یا آرنج یا شانه اش دو دست داشته باشد دیه دست اصلی پانصد دینار است و جریمه دست زائد بانظر حاکم تعیین میگردد و اگر یک نفر هر دو را قطع کند باید دیه اصل و جریمه زائد را بپردازد خواه با هم یا جداگانه قطع کند.



بعشی

تشخیص دست اصلی و زائد بنظر خبره خواهد بود .
ماده ۱۳۱- ديه ده انگشت دودست و همچنين ديه ده انگشت دو پا ديه کامل خواهد بود ، ديه هرانگشت عشر ديه کامل است .
ماده ۱۳۲- ديه هرانگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم میشود و بریدن هر بندی از انگشت های غیر شست ثلث ديه انگشت سالم و درشت نصف ديه شست سالم است .
ماده ۱۳۳- ديه انگشت زائد ثلث ديه انگشت اصلی است و ديه بندهای زائد ثلث ديه بند اصلی است .
ماده ۱۳۴- ديه فلج کردن هرانگشت دو ثلث ديه انگشت سالم است و ديه قطع انگشت فلج ثلث ديه انگشت سالم است .

دیه ناخن

ماده ۱۳۵- کندن ناخن بطوری که دیگر نروید یا فاسد و سیاه بر ویده دینار و اگر سالم و سفید بر ویده پنج دینار است .

دیه ستون فقرات

ماده ۱۳۶- شکستن ستون فقرات ديه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج بصورت کمان و خمیدگی در آید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانائی جنسی او از بین برود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز ديه جنائتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید ديه کامل خواهد بود .
ماده ۱۳۷- هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد .
ماده ۱۳۸- هرگاه شکستن پشت باعث فلج شدن هر دو پا شود برای شکستن ديه کامل و برای فلج دو پا دو ثلث ديه کامل منظور میگردد .

دیه نخاع

ماده ۱۳۹- قطع تمام نخاع ديه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت



بخش اول

خواهد بود .

ماده ۱۴۰- هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بردیه کامل قطع نخاع افزوده میگردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد جریمه‌ای که بانظر حاکم تعیین میشود بردیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد .

دیه پستان

ماده ۱۴۱- دیه بریدن دوپستان زن دیه کامل زن است و بریدن هریک از دوپستان زن نصف دیه کامل زن می باشد .
ماده ۱۴۲- هرگاه مقداری از پوست سینه با بریدن پستان کنده شود جریمه‌ای که برای کندن پوست بانظر حاکم تعیین میشود بردیه پستان افزوده میگردد و همچنین اگر با بریدن پستان سینه سوراخ شود دیه آن بر پستان افزوده میشود .
ماده ۱۴۳- جنایتی که باعث قطع شیراز پستان زن یا باعث دشواری جریان یا موجب کم شدن یا باعث معیوب شدن آن گردد جریمه آن بانظر حاکم تعیین میشود .
ماده ۱۴۴- دیه نوک پستانها با احتساب مساحت آن تعیین میگردد .
ماده ۱۴۵- دیه نوک یک پستان مرد ثمن و دیه نوک دوپستان مرد ربع دیه کامل مرد خواهد بود .

دیه آلت تناسلی

ماده ۱۴۶- قطع آلت تناسلی یا حشفه دیه کامل دارد در صورتی که آلت قبلا به سبب ضایعه یا نقص بیضه فلج شده باشد ثلث دیه خواهد داشت .
ماده ۱۴۷- دیه بریدن مقداری از حشفه به نسبت همه حشفه احتساب میشود نه نسبت به اصل آلت .
ماده ۱۴۸- جریمه سوراخ کردن مجرای بول بدون بریدن آن بانظر حاکم تعیین میشود و اگر بریدن حشفه مستلزم سوراخ شدن مجری باشد غیر از دیه حشفه چیزی نخواهد بود و اگر سوراخ شدن مجری جنایت دیگر بشمار آید جریمه آن که بانظر حاکم تعیین میگردد بر دیه حشفه افزوده میشود .
ماده ۱۴۹- هرگاه کسی حشفه دیگری را قطع کند و دوباره همان شخص یا شخص دیگر بقیه آلت راقطع نماید برای قطع حشفه دیه کامل است و برای قطع بقیه جریمه‌ای است که

تاریخ

بعثی

با نظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۵۰- قطع مقداری از حشفه موجب مقداری از دیه کامل با احتساب مساحت حشفه می باشد و اگر در فرض مزبور دیگری بقیه آلت را قطع نماید عهده دار جریمه ایست که با نظر حاکم تعیین میگردد .

ماده ۱۵۱- قطع آلت تناسلی عنین (ناتوان جنسی) مانند قطع آلت فلج موجب ثلث دیه کامل می باشد . قطع بعضی از آن موجب دیه با احتساب مساحت است .

ماده ۱۵۲- بریدن نصف آلت از طول در صورتیکه موجب فلج شدن آن نگردد نصف دیه کامل دارد و اگر در باقی فلج ایجاد گردد برای بریدن نصف دیه و برای فلج شدن دوثلث نصف دیه که جمعا پنج سدس دیه کامل خواهد بود .

ماده ۱۵۳- جریمه بریدن آلت خنثی مشکل یا کسی که زن بودن او معلوم باشد با نظر حاکم تعیین میشود

دیه بیضه

ماده ۱۵۴- قطع مجموع دو بیضه دفعتا دیه کامل و قطع بیضه چپ دوثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد .

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست .

ماده ۱۵۵- دیه ایجاد فتق دو بیضه چهار صد دینار است و اگر ایجاد فتق موجب زوال قدرت راه رفتن شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود .

دیه آلت تناسلی زن

ماده ۱۵۶- دیه مجموع دولبه آلت تناسلی زن که آن را می پوشانند دیه کامل زن است و دیه هر کدام از آنها نصف دیه زن میباشد در هر سنی که باشد .

ماده ۱۵۷- فلج کردن مجموع دولبه آن دوثلث دیه زن و قطع لبه های فلج ثلث دیه زن می باشد .

ماده ۱۵۸- جریمه از بین بردن عانه (بالای آلت تناسلی) زن یا مرد با نظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۵۹- عملی که باعث یکی شدن مجرای ادرار و خون قاعدگی یا یکی شدن مجرای





بجسائی

مدفوع و خون قانذگی گردد موجب دیه کامل زن می باشد و هرگاه در اثر مقاربت همسر قبل از بلوغ زن، دومجری یکی شود دیه برمهرا فزوده میشود .

تبصره - در صورتیکه زوجه بالغ باشد دیه برزوج تعلق نخواهد گرفت .

ماده ۱۶۰ - هرگاه بیگانه ای زن را به مقاربت مجبور کند و در اثر آن ، دومجری یکی شود علاوه بر دیه کامل زن مهرا المثل نیز لازم خواهد بود و اگر با میل زن مقاربت انجام شود و در اثر آن دومجری یکی گردد فقط دیه کامل زن لازم است .

ماده ۱۶۱ - هرگاه دختر باکره ای به مقاربت اکراه شود و در اثر آن دو مجری یکی گردد غیر از دیه کامل زن و مهرا المثل ، آرش بکارت نیز لازم خواهد بود .

دیه کفل

ماده ۱۶۲ - دیه مجموع دو کفل دیه کامل و دیه هر کدام از کفل ها نصف دیه کامل او می باشد و دیه مقداری از کفل نسبت به مساحت آن خواهد بود .

دیه پا

ماده ۱۶۳ - قطع مجموع دو پا که حد آن از مفصل ساق است - دیه کامل دارد و دیه هر کدام از پاها نصف آن می باشد .

ماده ۱۶۴ - دیه مجموع ده انگشت پادیه کامل است و دیه هر کدام از انگشتها عشر دیه کامل میباشد و دیه هر انگشت بر سه بند توزیع میشود مگر دیه شست که بر دو بند تقسیم میگردد .

دیه دنده

ماده ۱۶۵ - دیه هر یک از دنده هائی که در پهلوئی چپ واقع شده و محیط به قلب می باشد بیست و پنج دینار و دیه سایر دنده ها ده دینار است .

دیه استخوان زیرگردن

ماده ۱۶۶ - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد و به شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار میباشد .



بجسالی

دیه نشیمن گاه

ماده ۱۶۷- شکستن نشیمن گاه که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط با د نباشد جریمه ای با نظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۶۸- ضربه ای که به حد فاصل بیضه ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار و مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد .

ماده ۱۶۹- اگر در اثر فشاری که بوسیله پایاچیز دیگری بر شکم مجنی علیه وارد آید و باعث خروج بول یا غائط شود باید ثلث دیه کامل پرداخت شود .

ماده ۱۷۰- از بین بردن بکارت دختر یا انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن ، مهر المثل نیز دارد .

دیه استخوانها

ماده ۱۷۱- دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهار پنجم دیه شکستن آن است . و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو در صورت درمان بدون عیب چهار پنجم دیه کوبیدن عضو می باشد .

ماده ۱۷۲- در جدا کردن استخوان از عضو بطوریکه آن عضو بی فائده گردد دو ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود ، دیه آن چهار پنجم دیه اصل جدا کردن می باشد .

دیه عقل

ماده ۱۷۳- هر جنابیتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد .

ماده ۱۷۴- از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد .

ماده ۱۷۵- هرگاه در اثر جنابیتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست ، عقل زائل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمیشود .

بیماری

ماده ۱۷۶- هرگاه در اثر جنابتی عقل زائل شود و دیده کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد می شود و جریمه آن با نظر حاکم تعیین خواهد شد .
ماده ۱۷۷- مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن خبره معتمد می باشند و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم بر قول مجنی علیه است .

دیه حس شنوائی

ماده ۱۷۸- از بین بردن حس شنوائی مجموع دو گوش دیه کامل و از بین بردن حس شنوائی یک گوش نصف دیه کامل دارد خواه شنوائی یکی از آن دو قوی تر از دیگری باشد یا نباشد .

ماده ۱۷۹- هرگاه کسی فاقد حس شنوائی یکی از گوشها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد .

ماده ۱۸۰- هرگاه معلوم باشد که حس شنوائی بر نمی گردد یا خبره گواهی دهد که بر نمی گردد دیه مستقر میشود و اگر خبره امید به برگشت آن را داشته و با سپری شدن مدت انتظار، حس شنوائی برنگردد دیه استقرار پیدا می کند و اگر شنوائی قبل از دریافت دیه برگردد ارزش ثابت میشود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمیشود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود .

ماده ۱۸۱- هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوائی از بین برود و دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوائی بطور کلی از بین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم میشود و اگر با جنابت دیگری حس شنوائی از بین برود هم دیه جنابت لازم است و هم دیه شنوائی .

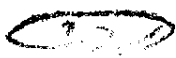
ماده ۱۸۲- هرگاه خبره گواهی دهد که شنوائی از بین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوائی است همان دیه شنوائی ثابت است .

ماده ۱۸۳- هرگاه کودک در اثر کر شدن لال بشود علاوه بر دیه شنوائی با نظر حاکم به پرداخت جریمه ای برای لال شدن محکوم می شود .

ماده ۱۸۴- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه در صورتی که با نظر خبرگان معتمد یا آزمایش موضوع روشن نشود، مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد .

دیه بینائی

ماده ۱۸۵- از بین بردن بینائی هر دو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینائی یک چشم





بجایی

نصف دیه کامل دارد .

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ و مانند آن نمی باشد .
ماده ۱۸۶- هرگاه با کندن حدقه چشم، بینائی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه بینائی .

ماده ۱۸۷- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خیره عادل یا یک خیره مرد و دو زن خیره عادل به اینکه بینائی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند برمیگردد، ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدتی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینائی برنگردد دیه ثابت خواهد بود .
و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینائی بر جانی اول ثابت خواهد بود .

و هرگاه بینائی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند ، بر جانی اول فقط ارش لازم می باشد .

ماده ۱۸۸- هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینائی هر دو چشم یا یک چشم او کم شده با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش تفاوت ، پرداخت میشود .
ماده ۱۸۹- هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی او زائل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد ، حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و به نفع او حکم صادر میکند .
تبصره - قسامه در این مورد شش قسم است اعم از آنکه پنج نفر دیگر و خود مدعی قسم یاد کنند یا کمتر یا خود مدعی به تنهایی .

دیه حس بویائی

ماده ۱۹۰- از بین بردن حس بویائی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی یک مجری نصف دیه است و قاضی قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید .

ماده ۱۹۱- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویائی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (که تعداد آن شش نفر است و یکی از آنان خود مدعی خواهد بود حسب مورد) بنفع مدعی حکم میشود .
ماده ۱۹۲- هرگاه حس بویائی قبل از پرداخت دیه برگردد جریمه ای که بانظر حاکم تعیین

جشائی

میشود پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویائی بمیرد دیه ثابت میشود .
ماده ۱۹۳- هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویائی از بین برود دودیه لازم میشود و همچنین اگر در اثر جنایت دیگر بویائی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویائی افزوده میشود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد جریمه‌ای که با نظر حاکم تعیین می‌گردد بر دیه بویائی اضافه خواهد شد .

دیه چشائی

ماده ۱۹۴- جریمه از بین بردن حس چشائی با نظر حاکم تعیین میشود .
ماده ۱۹۵- هرگاه با بریدن زبان حس چشائی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشائی از بین برود دیه یا جریمه آن جنایت بر دیه حس - چشائی افزوده میگردد .
ماده ۱۹۶- در صورتیکه حس چشائی برگردد دیه مسترد میشود .
ماده ۱۹۷- اگر اختلاف جانی و مجنی علیه در زوال یا نقصان حس چشائی با آزمایش یا مراجعه به دو متخصص عادل بر طرف نشود با قسامه مدعی حسب مورد حکم برفع اوصادر میشود .

دیه صوت و گویائی

ماده ۱۹۸- از بین بردن صوت شخص بطور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند .
ماده ۱۹۹- از بین بردن گویائی بطور کامل که نتواند اصلاً سخن بگوید دیه کامل دارد .
ماده ۲۰۰- جریمه جنایتی که موجب نقصان صوت شود بطوری که نتواند صدایش را صریح برساند با نظر حاکم تعیین میشود .
ماده ۲۰۱- جریمه جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با رعایت مصالحه معلوم گردد .

دیه سلس و ریزش ادرار

ماده ۲۰۲- جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر دیه معین دارد .



بعضی

- الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام و تا پایان هر روز دیه کامل دارد .
 ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا نیمی از هر روز دوتالث دیه دارد .
 ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد .
 تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعدا خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .
 ماده ۲۰۳ - هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده است جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .
 ماده ۲۰۴ - جریمه اعمال ارتكابی زیر با نظر حاکم تعیین میشود .
 الف - باعث از بین رفتن انزال شود .
 ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد .
 ج - لذت مقاربت را از بین ببرد .
 ماده ۲۰۵ - جنایتی که باعث از بین رفتن اصل مقاربت بطور کامل شود دیه کامل دارد .

دیه جراحی سر و صورت

- ماده ۲۰۶ - دیه جراحی سر و صورت به ترتیب زیر است .
 ۱ - حارصه = خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر
 ۲ - دامیه = خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر .
 ۳ - متلاحمه = جراحی که مقدار زیادی از گوشت را فرا گیرد لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر .
 ۴ - سمحاق = جراحی که تمام گوشت را فرا گرفته و به پوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر .
 ۵ - موضجه = جراحی که تمام گوشت را فرا گرفته و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر .
 ۶ - هاشمه = عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد ده شتر .
 ۷ - منقله = جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد پانزده



شتر .

- ۸- مامومه = جراحی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل دارد .
۹- دامغه = جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل جریمه‌ای که با نظر حاکم تعیین میشود بر او افزوده میگردد .
ماده ۲۰۷- هرگاه یکی از جراحیهای فوق در غیر سر و صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجید آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحیهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع میشود تعیین گردد .
و در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین نباشد ارزش آن با نظر حاکم تعیین میشود .

دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود

- ماده ۲۰۸- دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود به ترتیب زیر است .
الف - جائفه (جراحی که با هر وسیله و از هر راه به درون بدن انسان برسد)
ثلث دیه کامل است .
ب- هرگاه وسیله‌ای از یک طرف بدن فرورفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد .

دیه جراحی که در اعضاء انسان فرو می‌رود

- ماده ۲۰۹- هرگاه نیزه یا مانند آن در دست یا پا در صورتیکه مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکمصد دینار و در صورتیکه زن باشد ارزش آن با نظر حاکم تعیین میشود .

دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم میشود

- ماده ۲۱۰- دیه ضربتی که در اثر آن رنگ متغیر و یا بدن متورم گردد به قرار زیر است .
الف - سیاه شدن صورت بدون جراحی و شکستگی شش دینار .
ب - سبز شدن صورت سه دینار .
ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم .
د - در سایر قسمتهای بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت سبز شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است .



بخش اول

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی نیست میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی نیست بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زائل گردد .

ماده ۲۱۱ - جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود ارش آن با نظر حاکم معلوم میگردد و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود ارش آن بردیه که قبلا بیان شد افزوده میشود .

ماده ۲۱۲ - دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دوثلث دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است .

ماده ۲۱۳ - هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد دادستان کل کشور به منزله ولی او است و موظف است حق او را بدون عفو استیفا نماید .

ماده ۲۱۴ - دیه سقط جنین به ترتیب زیر است .

۱- دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار .

۲- دیه علقه که خون بسته است چهل دینار .

۳- دیه مضغه که به صورت گوشت درآمد است شصت دینار

۴- دیه جنین در مرحله‌ای که به صورت استخوان درآمد و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار .

۵- دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار .

تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمیباشد .

۶- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل .

ماده ۲۱۵ - هرگاه در اثر کشتن مادر ، جنین سقط شود دیه جنین در هر مرحله‌ای که باشد بردیه مادر افزوده میشود .

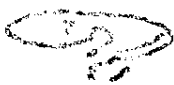
ماده ۲۱۶ - هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله‌ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی‌برد .

ماده ۲۱۷ - هرگاه چند جنین در یک رحم باشند بعدد هریک از آنها دیه جداگانه خواهد بود .

ماده ۲۱۸ - دیه اعضاء جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است .

ماده ۲۱۹ - دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد برعهده جانی است و در موارد خطا محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد .

ماده ۲۲۰ - سقط جنین قبل از پیدایش روح ، کفاره ندارد و کفاره و همچنین دیه



بخش اول

کامل او بعد از احراز حیات او خواهد بود .

دیه جنایتی که بر مرده واقع می شود

ماده ۲۲۱- دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع میشود به ترتیب زیر است .

الف - بریدن سر یکصد دینار .

ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پای یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضا و جوارح به همین نسبت ملحوظ میگردد .

تبصره ۱- فرقی در حکم مزبور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست .

تبصره ۲- دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت میگردد و در راههای خیر صرف میشود .

دیه جنایت بر حیوان

ماده ۲۲۲- هرگاه کسی حیوان حلال گوشت دیگری را که گوشت آن معمولا خوراکی است بدون اذن صاحب آن با ذبح شرعی بکشد باید تفاوت بین زنده و ذبح شده آن را بپردازد و گرنه باید قیمت روز اتلاف پرداخت شود .

تبصره ۱- اجزاء قابل استفاده مردار مانند پشم و مو و کرک متعلق به صاحب حیوان است و از قیمت آن کم میشود .

تبصره ۲- صاحب حیوان حق ندارد حیوان ذبح شده را برگرداند و حتما خواهان مثل یا قیمت آن شود .

تبصره ۳- هرگاه حیوان ذبح شده بطور کلی بی ارزش شود بمنزله آنست که مردار شده باشد .

ماده ۲۲۳- قطع یا شکستن اعضا حیوان در صورتیکه زنده بماند موجب پرداخت تفاوت میان سالم و معیوب میباشد و در صورتیکه باعث تلف شدن او بشود موجب قیمت آن میگردد .

ماده ۲۲۴- هرگاه حیوان حرام گوشت که با ذبح شرعی استفاده از آن جائز است ، با ذبح شرعی از زمین برود باید تفاوت قیمت پرداخت شود و اگر از راه غیر شرعی کشته گردد قیمت زنده آن پرداخت میشود و اجزاء قابل استفاده آن متعلق به صاحب حیوان است و

از قیمت آن کم میشود .

ماده ۲۲۵ - حیوان حلال گوشت که عادتاً گوشت آنها خورده نمیشود مانند اسب ، ذبح شرعی آنها بمنزله مردار نمودن آنها و موجب پرداخت تمام قیمت خواهد بود .
ماده ۲۲۶ - از بین بردن حیوانی که قابل ملکیت مسلمان نیست مانند خوک موجب ضمان نخواهد بود و همچنین هر چیز دیگری که هرگز ملک مسلمان نمیشود .

دیه سگ ها

ماده ۲۲۷ - دیه سگ به ترتیب زیر است .

۱ - سگ شکاری چهل درهم خواه آموزش یافته باشد یا نباشد .

۲ - سگ گله بیست درهم .

۳ - سگ نگهبان منزل یا باغ بیست درهم .

۴ - سگ مزرعه ، محصول یک هکتار غله مانند گندم .

تبصره ۱ - غیر از سگ های مذکور هیچ سگی ملک مسلمان نخواهد شد و اتلاف آن نیز ضمانتی ندارد .

تبصره ۲ - آنچه بعنوان دیه برای از بین بردن سگ ها بیان شده است نباید از آنها تجاوز نمود و چیزی را بعنوان قیمت سگ دریافت کرد .

ماده ۲۲۸ - هرگاه سگی غصب شود و بدون اتلاف غاصب از بین برود غاصب ضامن قیمت آن خواهد بود نه دیه آن و هرگاه نقص یا عیبی بدون جنایت بر آن وارد شود غاصب عهده دار ارش آن می باشد .

ماده ۲۲۹ - جنایت بر سگی که دیه دارد موجب ارش میشود و به همان نسبت از دیه پرداخت میگردد .

ماده ۲۳۰ - کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است .

لایحه فوق مشتمل بر دویست و سی ماده و سی تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه سوم آذرماه یکهزار و سیصد و شصت و یک کمیسیون امور قضائی بتصویب رسیده است .

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

اکبر هاشمی